

سارا واگن کنشت - نماینده پارلمان آلمان:  
این بحران را چه کسی به اروپا تحمیل کرد؟  
"احساس می کنیم که در جنگ هستیم."

کشور ما آلمان پس از این می بایست سالانه 70 میلیارد یورو، یعنی 2 درصد درآمد ناخالص ملی خود را به ناتو بدهد. این مبلغ 20 میلیارد یورو بیشتر از سهم همیشگی آلمان است. تازه مبلغ بزرگ 100 میلیارد یورو هم، به عنوان صندوق ذخیره، در نظر گرفته شده است.

پول هایی که باید صرف بهداشت، آموزش، رفاه و بازسازی اقتصاد گردد، اینک به بهانه بحران اوکراین برای نظامی گری هزینه می شود.

از طرف دیگر تحریم های روسیه، نه فقط به مردم عادی این کشور (نه اولیگارش و مسئولین)، بلکه همچنین به مردم عادی آلمان که از تورم و افزایش قیمت های کنونی هم تحت فشار هستند، آسیب بیشتری می رساند. بمب پوتین به روی اوکراین بهانه ای شد تا طرح چنین مسائلی در آلمان ممنوع شود. وگرنه به "توکر پوتین" و "خانن به وطن" بودن متهم خواهی شد. کسانی را که این چند ساله در آلمان خواهان بهبود رابطه با روسیه بودند، امروز "ساده لوح" می نامند و حتی آن ها را در حمله به اوکراین، مقصر معرفی می کنند. افرادی هم که برای حل بحران، راه مذاکره و گفتگو را پیشنهاد می کنند، مورد خشم این و آن قرار می گیرند.

می گویند که با متجاوز نباید مذاکره کرد. بلکه می بایست روسیه را ویران کرد. این عینا کلماتی است که "فون در لاین"، رئیس اتحادیه اروپا و "بربوک"، وزیر خارجه آلمان به زبان آورده اند.

بدین ترتیب حمله روسیه به اوکراین، سیاست های داخلی آلمان را هم تغییر داد. روسیه هم زیر این فشارها، دیر یا زود اروپا را رها کرده به سمت اتحاد با چین و احتمالا هند می رود و دیگر مجبور نخواهد بود که گاز به اروپا صادر کند.

در حالی که کارشناسان نظامی شانس برای پیروزی نظامی اوکراین بر روسیه نمی بینند، خیلی ها اینجا برای ارسال تجهیزات مدرن به اوکراین هورا می کشند. بدین ترتیب با ارسال اسلحه بیشتر، بجای یافتن راه حل های سیاسی، به کشته شدن انسان های بیشتر و تداوم درگیری کمک می شود.

این سیاست زیر شعار "همبستگی با اوکراین"، در واقع به دنبال سود هرچه بیشتر برای سازندگان اسلحه است. پس از جنگ سرد، آمریکا برای تحکیم هژمونی جهانی خود، تلاش کرد تا روسیه را از اروپا بیرون کند. آن ها علنا گفتند که نباید گذاشت تا تکنولوژی اروپایی به منابع روسی دسترسی داشته باشد. چنین اتفاقی همیشه برای آن ها یک تهدید اقتصادی و ژئوپلیتیک محسوب می شد.

من آرزو می کردم که در مقابل همه آن جنگ هایی که با دروغ آغاز شد، مانند جنگ عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و حتی در همین وسط اروپا یعنی بمباران بلغراد، مانند این جنگ اوکراین، شاهد اعتراض و واکنش می بودیم.

هیچ جنگی روی جنگ های دیگر را نمی تواند سفید کند. پس نباید فریب کسانی را خورد که مانند بایدن در هریک از این جنگ ها به نوعی نقش داشته و حالا خود را خیرخواه ما جا می زنند.

روسیه بارها در مورد پیوستن اوکراین به ناتو هشدار داد و خواهان توقف نزدیکی و ادغام نیروی نظامی آن در ناتو شد. اوکراین هر چند رسماً به ناتو نپیوسته بود، ولی ادغام نیروهایش در این پیمان صورت می گرفت. این کشور چندین مانور نظامی مشترک با ناتو برگزار کرد و بیش از دوهزار نظامی آمریکا در آنجا بودند. روسیه مدام در این مورد اعتراض می کرد. غرب اگر واقعا به دنبال بحران نبود، این روند را متوقف می کرد.

امروز صحبت از مردم اوکراین و یافتن راه حل هایی برای جلوگیری از قربانی شدن آن هاست.

صحبت بر سر وظایف ما برای جلوگیری از تقابل احتمالی ناتو و روسیه و فاجعه ای بزرگتر است.

اعتراف می کنم که هیچگاه به اندازه امروز از خطر بروز جنگ نمی ترسیم.

باید بجای احساسات از عقلمان استفاده کنیم و اجازه ندهیم که از ما برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند.

باید پرسیم که این اوضاع به سود کیست و چه کسی و به چه منظوری آن را بوجود آورده و چگونه می توانیم از این وضعیت بسیار خطرناک خارج شویم؟